

تهیه و طراحی : محمد یولچی خانی



اگر این محتوا مفید بود یا اگر word این محتوا را خواستید با شماره:

« ۰۹۱۰۰۴۸۲۵۲۲ » تماس وبا واریز مبلغ دلخواه ما را یاری کنید.

کدام تصویر از جهان؟

درسنامه

معانی گوناگون اتفاق در بین مردم و دانشمندان:

- ۱- اتفاق در نظر مردم یعنی اموری تصادفی
- ۲- داروین می گوید: آن دسته از جانداران که تغییرات اندامی شان اتفاقی سازگار با محیط بوده است؛ به حیات خود ادامه داده و رشد کرده اند و اگر در این میان تکاملی رخ داده، اتفاقی بوده است.
- ۳- امروزه، برخی از دانشمندان می گویند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، با یک انفجار بزرگ بیگ بنگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.
- ۴- اصطلاح دیگری که برخی از مردم آن را به کار می برند، اصطلاح شانس است.

نظر دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، درباره اتفاق

دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، معتقد بود که:

ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند. برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.

آثار و نتایج پذیرش «اصل علیت»

پذیرش «اصل علیّت»:

زمینه ساز نگاهی ویژه به جهان و اشیای پیرامونی است.

با قبول این حقیقت که هر حادثه علتی دارد، به ارتباط اجزای جهان با یکدیگر و پیوستگی شان پی می بریم و با مواجهه با هر پدیده ای در پی کشف منشأ و عامل پیدایش آن برمی آییم.

آثار و نتایج پذیرش «وجوب بخشی علت به معلول»

اصل «وجوب بخشی علت به معلول»:

جهان را تابع رابطه ای ضروری و حتمی نشان می دهد؛ به گونه ای که اگر علت با تمام حقیقت خود تحقق یافت، یقین پیدا می کنیم که تحقق معلول نیز ضروری و حتمی می شود. وجود آن، وجوب پیدا می کند.

باغبان بر همین اساس بذر می کارد و آن را آبیاری می کند .

راننده با همین مبنا خودرویش را روشن و به جلو هدایت می کند.

آثار و نتایج پذیرش

«اصل سنخیت میان علت و معلول»

«اصل سنخیت میان علت و معلول»:

نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود. کشاورز، صنعتگر، طبیب و هرکسی که در یک کار خاص وارد شده و برای آن برنامه ریزی کرده، متوجه همین اصل بوده است، گرچه عبارت «سنخیت میان علت و معلول» به گوش او نرسیده باشد.

معانی «اتفاق»

معنای اول اتفاق این است که میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد. چه بسا یک علت موجود شود اما معلول آن پدید نیاید؛ مثلاً همه عوامل پیدایش باران موجود باشند، اما باران نیارد و چه بسا یک معلول بدون وجود علت پیدا شود، مثلاً بدون وجود ابر و مانند آن، خودبه خود باران ببارد.

معنای دوم اتفاق این است که ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید؛ مثلاً حرارت سبب یخ بستن آب و آفتاب سبب تاریکی شود؛ یعنی سنخیتی میان علت و معلول وجود ندارد

معنای سوم اتفاق، نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛ بدین معنا که این حرکات و نظام ها به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی روند.

معنای چهارم اتفاق که بی ارتباط با اصل علیّت نیست، رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است؛ مثلاً، شخصی برای خرید روزانه به سمت بازار حرکت می کند اما در بین راه دوست خود را می بیند و از دیدن او خوشحال می شود. این شخص وقتی به منزل بازمی گردد، به اعضای خانواده اش می گوید: من امروز اتفاقی دوستم را دیدم و با او درباره فلان موضوع گفت وگو کردم

نظر فیلسوفان درباره معنای اول اتفاق و بررسی آن

فیلسوفی یافت نمی شود که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد.

همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکار می کنند و می گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و نمی تواند بدون علت موجود شود.

علت ناقصه و علت تامه

در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هریک از عوامل را «علت ناقصه» مجموعه عوامل را «علت تامه» می نامند.

مثلاً نوشتن روی کاغذ معلول عواملی از قبیل وجود انسان، وجود قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن و چندین عامل دیگر است

پس، نوشتن وقتی محقق می شود که همه عوامل دخیل در آن موجود باشند. حتی اگر یک عامل هم نباشد مثلاً انسان باشد، اما اراده نکند، نوشتن پدید نخواهد آمد.

نظر فیلسوفان درباره معنای دوم اتفاق و بررسی آن

اتفاق به این معنا نیز از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست.

زیرا قبول این معنای اتفاق، نفی اصل سنخیت علت و معلول را به دنبال دارد.

آنان می گویند اگر کسی واقعا اصل سنخیت میان علت و معلول را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد؛ مثلاً نمی تواند برای رفع عطش آب بیاشامد؛ زیرا میان آب و رفع عطش رابطه ای مشاهده نمی کند.

علاوه بر این، چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و دلیل آن را به دست آورد. او حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل پدیده ها تشویق نماید.

در حقیقت، انکار اصل سنخیت، بی اعتباری همه علوم و بی اعتنایی به آنها را به دنبال دارد و متناقض با یک هستی نظام مند و قانونمند است.

نظر فیلسوفان درباره معنای سوم اتفاق و بررسی آن

پذیرفتن این معنای اتفاق، نفی «علت نخستین جهان» و «آفریننده» را به دنبال دارد.

زیرا غایتمند بودن جهان بدان معناست که مجموعه حوادثی که در جهان رخ می دهد، هدف و غایت معین و از پیش تعیین شده ای را دنبال می کند و قبول این غایتمندی فقط با قبول علت نخستین و علت العلل، یعنی قبول آفریننده امکان پذیر است.

فلاسفه نسبت به معنای سوم اتفاق به دو دسته تقسیم شده اند:

آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند، معتقدند که این نوع اتفاق هم مانند دو معنای اول امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تاکنون و در آینده در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند. به عبارت دیگر: جهانی که ما در آن زندگی می کنیم، به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می شود.

اما آن دسته از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند، غایت‌مندی زنجیرهٔ حوادث را نیز انکار می‌کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی به حساب می‌آورند که از پیش تعیین شده نبوده است.

نظر فیلسوفان درباره معنای چهارم اتفاق و بررسی آن

معنای چهارم اتفاق، رخ دادن حادثهٔ پیش بینی نشده است. این معنای اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست.

بنابراین کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است.

همان طور که در مثال مربوط به این معنای اتفاق گفته شد، چون شخصی که برای خرید به فروشگاه می‌رود، از خارج شدن دوستش از خانه و تصمیم دوستش برای آمدن به فروشگاه اطلاعی ندارد، نمی‌تواند پیش بینی کند که دوستش را در فروشگاه خواهد دید. والا براساس قاعدهٔ علیت و لوازم آن، مجموعهٔ تصمیم‌ها و حرکت‌های این شخص و دوستش سبب شده که آنها یکدیگر را در فروشگاه ببینند و از احوال یکدیگر باخبر شوند.

الف) سوالات کامل کردنی :

- ۱- اتفاق در نظر مردم یعنی اموری (تصادفی)
- ۲-، فیلسوف یونان باستان، معتقد بود که مادهٔ اولیهٔ تشکیل دهندهٔ جهان، اتم‌ها و ذرات ریز تجزیه‌ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتناهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می‌کرده‌اند. برخورد..... این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.
- (دموکریتوس- اتفاقی)
- ۳- دانشمندان : فقط آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی آنها «اتفاقا» سازگار با محیط بوده به حیات خود ادامه داده، رشد کرده‌اند و تکثیر شده‌اند. (زیست‌شناس - اتفاقا)
- ۴- امروزه، برخی از دانشمندان می‌گویند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، با یک انفجار بزرگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است. (مه‌بانگ)
- ۵- یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم و نقد و تصحیح یا تعمیق آنهاست. (عامیانه)
- ۶- ابن سینا در مهم‌ترین کتاب فلسفی خود، یعنی هم دربارهٔ و هم دربارهٔ سخن گفته است. (الهیات شفا- اتفاق- شانس)
- ۷- معنای اول اتفاق این است که میان علت و معلول آن وجود ندارد. (رابطهٔ ضروری)
- ۸- معنای دوم اتفاق این است که میان اشیاء و آثار آنها نیست. (سنخیتی)
- ۹- معنای سوم اتفاق، نبودن و خاص در حرکات و نظم جهان است. (غایت - هدف)

۱۰- معنای چهارم عبارت است از رخ دادن پیش بینی نشده است. (اتفاق - حوادث)

۱۱- فلاسفه می گویند: هر به علت دارد و یک میان علت و معلول برقرار است. (معلول- علت - رابطه ضروری)

۱۱- در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هریک از عوامل ر و مجموعه عوامل را می نامند. (علت ناقصه- علت تامه)

۱۲- اگر کسی واقعا اصل را انکار کند و پدید آمدن هر چیز را از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری دست نخواهد زد. (سنخیت میان علت و معلول)

۱۳- در حقیقت، انکار اصل بی اعتباری همه علوم و بی اعتنایی به آنها را به دنبال دارد و متناقض با یک هستی نظام مند و قانونمند می باشد. (سنخیت)

۱۲- آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم «اصل علیت» به معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند، می گویند هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، را تعقیب می کند (عله العلل- هدف خاصی)

۱۳- آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری به حساب می آورند. (عله العلل- اتفاقی)

ب) سوالات کشف ارتباط:

الف: سوالات	ب: پاسخ ها
۱- معنای چهارم اتفاق	الف) اصل سنخیت میان علت و معلول = ۶
۲- در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هریک از عوامل را گویند.	ب) اصل سنخیت میان علت و معلول = ۸
۳- در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، مجموعه عوامل را می نامند.	ج) علت ناقصه = ۲
۴- معنای اول اتفاق این است که میان علت و معلول آن این رابطه وجود دارد.	رخ دادن حادثه پیش بینی نشده = ۱
۵- لازمه و نتیجه اصل علیت است.	ک) شفا = ۷

۶- لازمه و نتیجه این اصل نظم و قانونمندی میان پدیده ها است.	ل) اصل وجوب بخشی علت به معلول=۹
۷- مهم ترین کتاب فلسفی ابن سینا	م) ارتباط و پیوستگی=۵
۸- این اصل نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی آید.	ه) علت تامه=۳
۹- لازمه و نتیجه این اصل تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی است.	و) امری اتفاقی=۱۰
۱۰- آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به عله العلل معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان این گونه به حساب می آورند.	ی) رابطه حتمیت=۴

ج) گزاره های فلسفی صحیح و غلط:

- ۱- لازمه و نتیجه اصل اصل سنخیت میان علت و معلول نظم و قانونمندی میان پدیده ها است. (ص)
- ۲- دموکریتوس فیلسوف یونان باستان، اعتقادی به آفرینش اتفاقی جهان نداشت. (غ)
- ۴- اغلب فیلسوفان به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق (نداشتن رابطه حتمیت) موافق هستند (غ)
- ۵- لازمه و نتیجه اصل اصل علیت ارتباط و پیوستگی است. (ص)
- ۶- لازمه و نتیجه اصل. اصل وجوب بخشی علت به معلول تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی است. (ص)
- ۷- آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به **عله العلل** معتقد هستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند (غ)
- ۸- در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هریک از عوامل را «علت تامه» مجموعه عوامل را «علت ناقصه» می نامند. (غ)
- ۹- معنای چهارم اتفاق که بی ارتباط با اصل علیت نیست، رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است. (ص)
- ۱۰- هیچ فیلسوفی از واژه اتفاق استفاده نکرده است. (غ)
- ۱۱- اصل سنخیت میان علت و معلول نظم خاصی در جهان برقرار می کند و به ما می فهماند که هر چیزی نمی تواند منشأ هر چیزی شود و هر چیزی از هر چیزی پدید نمی آید. (ص)
- ۱۲- شکل دیگری از اتفاق که در دوره های اخیر مطرح شده، در گفته های برخی دانشمندان زیست شناس، از جمله داروین، آمده است. (ص)

۱۳- یکی از اقدامات مؤثر و مهم فیلسوفان، دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آنها بوده است. (ص)

۱۴- اگر کسی به طور جدی و دقیق اصل سنخیت میان علت و معلول را به طور جدی و دقیق انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد. (ص)

(د) سوالات تشریحی :

۱- مهم ترین کتاب فلسفی ابن سینا چیست؟

الهیات شفا

۲- لازمه و نتیجه اصل علیت را بنویسید.

لازمه و نتیجه اصل علیت ارتباط و پیوستگی است.

۳- لازمه و نتیجه اصل وجوب بخشی علت به معلول را بنویسید.

لازمه و نتیجه اصل وجوب بخشی علت به معلول تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی است.

۴- لازمه و نتیجه اصل سنخیت میان علت و معلول را بنویسید.

لازمه و نتیجه اصل سنخیت میان علت و معلول نظم و قانونمندی میان پدیده ها است .

۵-نظر دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، را درباره اتفاق بنویسید.

دموکریتوس، فیلسوف یونان باستان، معتقد بود که ماده اولیه تشکیل دهنده جهان، اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیرمتماهی پراکنده بوده و به شکلی سرگردان حرکت می کرده اند . برخورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.

۶-معانی گوناگون اتفاق در بین مردم و دانشمندان را بنویسید.

۱-اتفاق در نظر مردم یعنی اموری تصادفی

۲- دانشمندان زیست شناس فقط آن دسته از جانداران که تغییرات بدنی آنها «اتفاقا» سازگار با محیط بوده به حیات خود ادامه داده، رشد کرده اند و تکثیر شده اند.

۳- امروزه، برخی از دانشمندان می گویند که جهان کنونی ما، یعنی این میلیاردها کهکشان، با یک انفجار بزرگ مه بانگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.

۴- اصطلاح دیگری که برخی از مردم آن را به کار می برند، اصطلاح شانس است.

۷-معانی اتفاق را بنویسید.

معنای اول اتفاق این است که میان علت و معلول آن رابطه حتمیت وجود ندارد. چه بسا یک علت موجود شود اما معلول آن پدید نیاید؛ مثلاً همه عوامل پیدایش باران موجود باشند، اما باران نیارد و چه بسا یک معلول بدون وجود علت پیدا شود، مثلاً بدون وجود ابر و مانند آن، خودبه خود باران ببارد.

معنای دوم اتفاق این است که ممکن است از هر علتی هر معلولی پدید آید؛ مثلاً حرارت سبب یخ بستن آب و آفتاب سبب تاریکی شود؛ یعنی سنخیتی میان علت و معلول وجود ندارد.

معنای سوم اتفاق، نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است؛ بدین معنا که این حرکات و نظام ها به سمت غایت و هدف معینی به پیش نمی روند.

معنای چهارم اتفاق که بی ارتباط با اصل علیت نیست، رخ دادن حادثه پیش بینی نشده است؛ مثلاً، شخصی برای خرید روزانه به سمت بازار حرکت می کند اما در بین راه دوست خود را می بیند و از دیدن او خوشحال می شود. این شخص وقتی به منزل بازمی گردد، به اعضای خانواده اش می گوید: من امروز اتفاقی دوستم را دیدم و با او درباره فلان موضوع گفت وگو کردم.

۸- نظر فیلسوفان را درباره معنای اول (نداشتن رابطه حتمیت) اتفاق بنویسید.

فیلسوفی یافت نمی شود که به طور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد. همه فیلسوفان چنین اتفاقی را انکار می کنند و می گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و نمی تواند بدون علت موجود شود.

۹- نظر فیلسوفان را درباره معنای دوم (امکان است از هر علتی هر معلولی پدید آید؛) اتفاق بنویسید.

اتفاق به این معنا نیز از نظر بسیاری از فلاسفه، از جمله ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی و برخی فیلسوفان اروپایی، امکان پذیر نیست. آنان می گویند اگر کسی به طور جدی و دقیق اصل سنخیت میان علت و معلول را به طور جدی و دقیق انکار کند و پدید آمدن هر چیزی از هر چیزی را ممکن بداند، به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد.

۱۰- نظر فیلسوفان را درباره معنای سوم (نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان است) اتفاق را بنویسید.

در پاسخ به این سؤال، فلاسفه به دو دسته تقسیم شده اند:

آن دسته از فلاسفه که علاوه بر لوازم «اصل علیت» به «علل العلل» معتقدند و برای مجموعه هستی یک علت حقیقی قائل اند، می گویند هر فرایند طبیعی و هر سیر تحولی در طبیعت، هدف خاصی را تعقیب می کند و سرمنزلی تعیین شده دارد؛ گرچه ناسان ها به علت محدودیت های علمی نتوانند همه این اهداف را کشف کنند.

آن دسته از فیلسوفان که معمولاً به علل العلل معتقد نیستند، غایتمندی زنجیره حوادث را انکار می کنند و وجود برخی از فرایندهای تکاملی را در جهان امری اتفاقی به حساب می آورند که از پیش تعیین و پیش بینی نشده است.

۱۱- علت ناقصه و علت تامه را تعریف کنید.

در آنجا که معلول ناشی از مجموعه چند عامل است که روی هم، علت پدید آمدن آن معلول اند، هریک از عوامل را «علت ناقصه» مجموعه عوامل را «علت تامه» می نامند؛ مثلاً نوشتن روی کاغذ معلول عواملی از قبیل وجود انسان، وجود قلم، گرفتن قلم در دست، اندیشه کردن، اراده کردن و چندین عامل دیگر است. پس، نوشتن وقتی محقق می شود که همه عوامل دخیل در آن موجود باشند. حتی اگر یک عامل هم نباشد.

۱۲- نظر فیلسوفان را درباره معنای چهارم (رخ دادن حادثه پیش بینی نشده) اتفاق را بنویسید.

این معنای اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست. بنابراین کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است.

۱۳- کدام معنای اتفاق با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست. و علت آن چیست؟

معنای چهارم اتفاق (رخ دادن حادثه پیش بینی نشده) با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست. بلکه مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است

➤ به کار ببندیم

۱- در ابتدای درس، حوادث و پدیده هایی ذکر شد که به نظر برخی، مصداق اتفاق هستند. به نظر شما هر یک از این نمونه ها با کدام معنا از معانی اتفاق تناسب دارند؟

نظر دموکریتوس با معانی دوم و سوم اتفاق سازگار است، یعنی هم اصل سنخیت را نفی می کند و هم غایتمندی میان پدیده ها را.

نظریه مربوط به تکامل زیستی موجودات نیز با معانی دوم و سوم اتفاق سازگار است و منجر به انکار اصل سنخیت و غایتمندی می شود؛ زیرا تغییرات عالم طبیعت، هیچ کدام اتفاقی نیست و هر تغییری ناشی از عواملی خاص است. آن عوامل هستند که فلان تغییر خاص را سبب شده اند و اگر این تغییرات منجر به تکامل موجودات شده و در مسیر درستی پیش رفته، گویای حرکتی غایتمند در جهان و در میان پدیده های جهان بوده که از ناحیه خالق جهان تنظیم شده است. در نظریه مربوط به مهبانگ باید دقت بیشتری کنیم. اگر منظور از نظریه مهبانگ این باشد که قبل از انفجار بزرگ چیزی نبوده و ناگهان انفجاری رخ داده، این سخن به معنای آن است که از هیچ، چیزی به وجود بیاید. این سخن با اصل علیت و وجوب بخشی علت و معلول مخالف است و موافق معنای اول اتفاق است. اما اگر به معنای این باشد که ذره ای کوچک و بسیار فشرده بوده و خود به خود در آن انفجاری رخ داده، این سخن نیز هم به معنای اول اتفاق است که می خواهد رابطه ضروری میان علت و معلول را انکار کند و هم به معنای دوم اتفاق است که انکار اصل سنخیت را در پی دارد. اما اگر به این معنا باشد که ذره ای کوچک و بسیار فشرده در ابتدا وجود داشته و نه به صورت خود به خود، بلکه براساس علتی که برای ما تاکنون ناشناخته است، انفجاری رخ داده و جهان گسترش یافته، هیچ کدام از معانی اتفاق را دربر ندارد و با هیچ کدام از اصول علیت مخالف نیست.

۲- آیا می توان بدون یک علت بالذات یا علّه العّلل، که در ادیان الهی آن را «خدا» می نامند «اتفاق» به معنای سوم را مردود دانست؟

این تمرین ناظر بر معنای سوم اتفاق است، یعنی حوادث بدون هدف و غایت بدون قبول یک علت و خالق حکیم و دارای علم، نمی توان این معنای اتفاق را مردود دانست.

۳- پذیرش «اتفاق» به معنای دوم و سوم چه تأثیری در اندیشه و تفکر و سبک زندگی یک فرد دارد؟

این تمرین ناظر به معنای دوم و سوم اتفاق است اگر کسی واقعاً و جدّاً هم این دو معنای اتفاق را بپذیرد، نمی تواند هیچ تصمیمی در طول روز بگیرد و هیچ هدفی را برای خود تعیین کند. چون انجام هر تصمیمی مبتنی بر قبول اصل سنخیت علت و معلول است و تعیین هر هدفی نیز مبتنی بر هدفمندی انسان و جهان می باشد. توضیحات بیشتر در صفحات قبل آمده است.

۴- ضرب المثل زیر کدام معنای اتفاق را رد می کند؟ چرا؟

گندم از گندم بروید جو ز جو

ناظر بر نفی اتفاق به معنای دوم است. مصرع گندم از گندم بروید جو ز جو بیان کننده اصل سنخیت در علت و معلول است و روشن می کند که هر چیزی از هر چیزی پدید نمی آید، بلکه از هر علت خاص، معلول خاص آن بروز می کند.

۵- شعر زیر انکار کدام معنای اتفاق است؟

وز نما مردم به حیوان برزدم

از جمادی مردم و نامی شدم

پس جهت رسم کی ز مردن کم

مردم از حیوانی و آدم شدم
شدم

تا برآرم از ملائک پر و سر

حمله دیگر بمیرم از بشر

این تمرین ناظر بر نفی اتفاق به معنای سوم است، زیرا این ابیات مثنوی مولوی بیان کننده حرکات غایبمنده و هدفدار در جهان است و نشان می دهد که گیاهان و حیوانات و انسان ها به صورت اتفاقی پدید نیامده اند بلکه هر یک از این موجودات حلقه ای از حلقه های نظام خلقت و تکمیل کننده یکدیگر هستند.